

نا‌توانی پدافند هوایی رژیم صهیونیستی در مقابله با موج بی‌سابقه عملیات موشکی حزب‌الله

بازگشت غیرممکن

صفحه ۷

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۳ | جمادی‌الاول ۱۴۴۴ | ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴ | سال هفدهم | شماره ۸ | صفحه ۵۰۰۰ | تهران

تیتیر های امر وز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با ساسان فلاح‌فر، کارگردان فیلم «بی‌پایان» با موضوع **شهید طهرانی‌مقدم** که امشب از شبکه یک سیما روی آنتن می‌رود

قهرمان ایران‌زمین



صفحه ۸

تغییرات منحنی رشد جمعیت کشور در گفت‌وگوی «وطن امروز» با رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس

امید

به جوانی ایران

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از رویکرد غلط تخصیص ارز در واردات خودرو

لوکس

به جای اقتصادی!

صفحه ۳

نگاه

تاریخ انقضای زلنسکی

حنیف غفاری؛ «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین‌ن‌سا قبل از شکست سنگین دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۵ نوامبر، ایده‌ای متوهمانه تحت عنوان «طرح پیروزی» را به کاخ سفید و اعضای پیمان آتلانتیک شمالی ارائه کرد که یکی از ارکان اصلی آن، عضویت فوری اوکراین در پیمان ناتو و دیگری، عقب‌نشینی روسیه از مناطق شرق، خصوصا دونتسک و لوهانسک بود. حتی قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا این طرح مورد اقبال اعضای ناتو قرار نگرفت. اساسا با توجه به مختصات میدان جنگ و وقایع متنی و فرامتنی آن، امکان تحقق طرح زلنسکی وجود نداشت. فراتر از آن، اعضای اروپایی ناتو در انتظار مشخص شدن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و بازتعریف معادلات درونی و بیرومنی جنگ اوکراین بر اساس آن بودند.

بازگشت ترامپ به کاخ سفید، بدترین خبر ممکن برای رئیس‌جمهور ناتوان اوکراین محسوب می‌شود. ترامپ در حاشیه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد (سپتامبر امسال) ملاقاتی با زلنسکی داشت و در آن، تفاوت رویکرد خود با دموکرات‌ها در قبال جنگ اوکراین را تشریح کرد. جوزپ بورل، وزیر خارجه اتحادیه اروپایی نیز قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تاکید کرده بود پیروزی ترامپ جایی برای بازیگردانی و سیاست‌گذاری اروپاییان در جنگ اوکراین باقی نخواهد گذاشت.

اخیرا ترامپ در تماس تلفنی کاملا غیردوستانه خود با زلنسکی، ملاحظاتی را درباره جنگ اوکراین و آینده آن به وی اعلام کرد. برخی نزدیکان رئیس‌جمهور برگزیده آمریکا قویا تاکید کرده‌اند ترامپ قصد دارد قبل از حضور رسمی در کاخ سفید، نقشه راه عملیاتی پایان دادن به جنگ اوکراین را در رایزنی با کی‌یف و مسکو به سرانجام برساند. در این میان، کمترین اهمیتی برای ترامپ ندارد کم‌دین نسبت به این نقشه‌ راه چه تصویری داشته یا خواهد داشت! زلنسکی در این معادله، صرفا یک مخاطب است و دیگر هیچ! اصولا از همان زمانی که زلنسکی به مهره بازی آتلانتیکی‌ها در پیشبرد بازی خطرناک «گسترش ناتو به شرق» تبدیل شد، قرار نبود کمترین اختیاری درباره آغاز و پایان جنگ داشته باشد! زلنسکی به اندازه‌ای مقهور وعده‌هایی مانند عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی، عضویت در اتحادیه اروپایی و سرمایه‌گذاری متمرکز شرکت‌های غربی در کی‌یف، خارکیف، خرسون و زاپورژیا شده بود که متوجه بدبختی‌ترین واقعات جاری بیرومن خود و کشورش نشد!

ادامه در صفحه ۶

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۳۰۰سال و ۶۲ روز گذشت |

دولت استرالیا از اعمال ممنوعیت قانونی برای ورود کودکان و نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی خبر داد

ورود کودکان

ممنوع!

صفحه ۷

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.41791 | WED.NOV.13.2024 | ISSN:2008-2886

یادداشت روز

مبارزه جهانی علیه غول‌های مجازی

| مرتضی علیزاده |

در حال حاضر اعتیاد به استفاده از گوشی‌های همراه هوشمند، معضلی جهانی است. به همین دلیل در سال‌های اخیر بسیاری از دولت‌ها اقدام به محدود کردن پلتفرم‌های اجتماعی و کنترل فعالیت آنها کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به محدودیت سنی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد که در پی احساس نگرانی خانواده‌ها از محتوای نامناسب این شبکه‌ها برای کودکان و نوجوانان از سوی دولت‌ها اجرا شده است. آخرین نمونه از این قبیل اقدامات، مربوط به دولت استرالیاست که دیروز در لایحه‌ای محدودیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی را تا ۱۶ سالگی افزایش داد. «آنتونی البانیز» نخست‌وزیر استرالیا اعلام کرده است غول‌های فناوری با ارائه اطلاعات نادرست از طریق شبکه‌های اجتماعی، سلامت روان نوجوانان را به خطر انداخته‌اند و او اجازه نمی‌دهد این وضع ادامه یابد.

هر چند معلوم نیست ابزار فنی لازم برای عمل به چنین قوانینی تا چه اندازه در دسترس است اما دولت استرالیا امیدوار است با اجرای این لایحه از ابتدای سال ۲۰۲۵، بتواند شرکت‌های بزرگ فناوری را به کنترل کامل خود درآورد. جالب اینکه رئیس ایمنی شرکت متا در واکنش به این اقدام اظهار کرده است به هرگونه اعمال محدودیت سنی از سوی دولت استرالیا احترام خواهد گذاشت. البته هم اقدام استرالیا در اعمال محدودیت سنی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و هم احترام غول‌های فناوری نسبت به قوانین داخلی کشورها و پاسخگویی آنها، امری کاملا معمول و متداول در جهان است. استیضاح مدیر تیک‌تاک در کنگره آمریکا یکی از بارزترین نمونه‌های حکمرانی فضای مجازی و پاسخگویی شرکت‌های بزرگ فناوری نسبت به قوانین داخلی کشورها بود که سال گذشته پیش چشم همگان اتفاق افتاد. یا دستگیری مدیرعامل تلگرام توسط دولت فرانسه که در نهایت به پاسخگویی پاول دورف منجر شد. همه اینها حاکی از آن حکمرانی فضای مجازی در جهان امر بسیار مهمی است که اتفاقا دولت‌های توسعه‌یافته نسبت به آن بسیار جدی‌تر و سخت‌گیرتر هستند. درباره اعمال محدودیت‌های سنی به واسطه انتقال محتوای نادرست و ناسالم در شبکه‌های اجتماعی، این سختگیری‌ها بیشتر هم هست. در فرانسه عضویت در شبکه‌های اجتماعی برای افراد زیر ۱۳ سال به کلی ممنوع و برای افراد ۱۳ تا ۱۵ سال با رضایت و نظارت والدین ممکن است. اخیرا کمیسیونی متشکل از کارشناسان فرانسوی در گزارشی اعلام کرده استفاده از گوشی‌های هوشمند به واسطه اینکه اعتیادآور است، برای افراد زیر ۱۵ سال توصیه نمی‌شود. در اسپانیا علاوه بر ممنوعیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی برای زیر ۱۶ ساله‌ها، عضویت در تیک‌تاک، ایکس و… آلمان، چین، ژاپن، سنگاپور، تایوان و… دیگر کشورهایی هستند که برای استفاده از همه یا برخی شبکه‌های اجتماعی خاص، محدودیت‌های سنی وضع کرده‌اند. در کشورهایی هم که محدودیت سنی تعیین نشده، ارائه محتوای نامناسب ناسالم به کودکان و نوجوانان برای شرکت‌های ارائه دهنده خدمات ممنوع است.

غرض اینکه اعمال محدودیت در استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در بسیاری از کشورها بویژه کشورهای توسعه‌یافته امری طبیعی و مسالمانه‌ای جدی است. شاید کسانی بپرسند با وجود بنافزارهای موجود در دزدن این محدودیت‌ها دشوار نیست؛ اولاً این مساله از سوی برخی دولت‌ها در حال پیگیری است و ممکن است در نهایت به نتایج مثبتی منجر شود. مثلا در اسپانیا «آرانس حفاظت از داده‌ها» اعلام کرده روی توسعه یک سیستم شناسایی کاربر می‌کند تا از دور زدن محدودیت‌ها از سوی افراد زیر سن قانونی هنگام ایجاد حساب‌ها جلوگیری کند. به همین استرالیا نخست‌وزیر این کشور نسبت به راه‌اندازی یک سیستم شناسایی پیشرفته ابراز امیدواری کرده است. یا در قانون ایالتی فلوریدا در آمریکا، بار مسؤولیت بر دوش پلتفرم‌ها گذاشته شده و برای شرکت‌هایی که «عمدا یا سهوا» این قانون را نقض کنند، جریمه سنگینی در نظر می‌گیرند. ثابثا حتی اگر راه‌هایی برای دور زدن این قوانین و محدودیت‌ها از سوی کاربران وجود داشته باشد، اصل حکمرانی اینترنت و فضای مجازی موضوعیت ندارد و دولت‌ها باید بکوشند با مقابله با راه‌های دور زدن، دفعه و نگرانی شهروندان بویژه خانواده‌ها را در رابطه با کودکان و نوجوانان رفع کنند. در واقع وضع قوانین مرتبط و پاسخگو کردن شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، گام نخست Network Sovereignty یا حاکمیت شبکه است که در ادامه با بسته شدن راه‌های کاربر، به کمال می‌رسد. بنابراین وضع قوانین به‌روز و کارآمد و سپس الزام شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی مقدمات لازم برای ایجاد حکمرانی مقتدر و موثر فضای مجازی است که از حقوق مسلم شهروندی در تمام کشورهاست.

ادامه در صفحه ۶



Gettyimages

مقاومت، موجودیتی مبتنی بر فلسفه تاریخ

تاریخ قدسی نظام مقلواتی پیشینی آن نیست. یعنی فلسفه تاریخ شیعی از تاریخ امر قدسی آغاز و تطورات آن در تاریخ مادی رخ می‌دهد. برخلاف فلسفه تاریخ «هگل»ی که صورت‌بندی کلی تاریخ در منطق ایده، به دست داده شده است، فلسفه تاریخ شیعی را اینطور نمی‌توان صورت‌بندی کرد. این رابطه پیچیده پدیدارشناختی را با تاریخ طبقاتی نمی‌توان فهمید یا دست کم کامل نمی‌توان. البته دفاع از کنش ضداستعماری یاحتی مبارزه با سرمایه‌سالاری درست مانند مبارزه با امپریالیسم عمیقا با مبانی فلسفه تاریخ اسلامی همخوان است اما غایبات و منطقی حاکم بر تاریخ ما با نظام مقلواتی یادشده تفاوت دارد.

ضدیت برخی با امپریالیسم و نولیبرالیسم و دفاع آنها از امر ملی از موضوعی متفاوت با این فلسفه تاریخ است. آنها حزب‌الله را نیروی مقاومت جنوب جهانی می‌دانند؛ ولی واقعا کدام رزمنده میدانی حاضر است برای این ایده جان دهد؟ فهم منطق پراکسیس مقاومت بدون فهم منطق کنش

اعلان میدانی آن، تحمیل یک برساخت بیرونی بر فاعلان است. این برساخت ایده‌هایی را چنان ارزشمند می‌داند که برای تحقق عینی آن می‌توان تمام زندگی را صرف آن کرد. نقاب این برساخت‌ها حالا افتاده و فهم میانگین، نسبت خود را با وقف عمر برای ایده‌ای خاص از دست داده است. این سوال که فلان گروه مقاومت چقدر دستمزد می‌گیرد تا بچنگد با آن کسی فرض واحدی دارد، ولو خود به این وحدت واقف نباشد. آنها هر ۲ فرض می‌کنند هیچ ایده‌ای ارزش جایزای ندارد و همین فرض بیانگر سز درون الهیات سیاسی مدرن است. سوال مشخص این است: چطور می‌توان با

عکس

حال سوال این است: از بطن این بی‌آیندگی، کدام نیروی نفی را می‌توان به پراکسیس مقاومت الصاق کرد و امید رهایی داشت؟

الته ما در جهانی که روایت‌های یکپارچه دیگر امکان وقوع ندارند، راهی برای فرار از کلاژی از ایده‌ها نداریم ولی مساله این است که آیا ما این وضعیت را تقدیر بحرانی خودمان می‌دانیم یا امکان؟ اگر بپذیریم این تقدیر ماست باید از نیرویی برای مقاومت در برابر آن کمک بگیریم یا دست کم اعلام کنیم این یک «بحران» است، کسانی که قائل به چنین وضعی باشند، راه‌حل را در اعصاده می‌دانند. اعاده یا تکرار، نوستالژی برای گذشته دور و نامعلوم نیست؛ احیای هویت در بافت جدید است اما آیا می‌توان با ایده‌ای که خود به تاریخ بحران تعلق دارد، مقاومت کرد؟ صریح‌تر: آیا نزاع طبقاتی جهانی میان شمال و جنوب، خود به همان ایده مدرنی تعلق ندارد که تاریخش به انجام آمده؟ اگر چنین باشد پس به نظر من مقاومت، چیزی است که برای آن منظر کاشفیت ندارد. یعنی اگر چه می‌توان مقاومت را با فلسفه تاریخ مارکسی صورت‌بندی کرد اما نمی‌توان آن را آشکار کرد. آشکارگی مستلزم فهم منطق درونی پراکسیس است؛ این را با فاهمه مقلواتی نمی‌توان انجام داد، چون این فاهمه تا بن دندان درون فلسفه تاریخی قرار دارد که از تاریخ می‌کند، پایان، نقطه نهایی نیروی نفی است. جایی پراکسیس مقاومت بیرون است. به ابتدا برگردیم؛ فهم مقاومت از منظر مقوله جنوب-شمال، تخلیه و حاکمیت است. پراکسیس مقاومت، چون ایده مدرنی تعلق ندارد اما به راهاندازی یک سیستم شناسایی پیشرفته ابراز امیدواری کرده است. یا در قانون ایالتی فلوریدا در آمریکا، بار مسؤولیت بر دوش پلتفرم‌ها گذاشته شده و برای شرکت‌هایی که «عمدا یا سهوا» این قانون را نقض کنند، جریمه سنگینی در نظر می‌گیرند. ثابثا حتی اگر راه‌هایی برای دور زدن این قوانین و محدودیت‌ها از سوی کاربران وجود داشته باشد، اصل حکمرانی اینترنت و فضای مجازی موضوعیت ندارد و دولت‌ها باید بکوشند با مقابله با راه‌های دور زدن، دفعه و نگرانی شهروندان بویژه خانواده‌ها را در رابطه با کودکان و نوجوانان رفع کنند. در واقع وضع قوانین مرتبط و پاسخگو کردن شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، گام نخست Network Sovereignty یا حاکمیت شبکه است که در ادامه با بسته شدن راه‌های کاربر، به کمال می‌رسد. بنابراین وضع قوانین به‌روز و کارآمد و سپس الزام شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی مقدمات لازم برای ایجاد حکمرانی مقتدر و موثر فضای مجازی است که از حقوق مسلم شهروندی در تمام کشورهاست.

پی‌نوشت

۱- «علی علیزاده» تحلیلگر سیاسی و یوتیوبر ایرانی / انگلیسی‌ساکن لندن و مؤسس رسانه اینترنتی جدال در یادداشتی به مناسبت شهادت آیت‌الله سیدحسن نصرالله نوشت: سیدحسن نصرالله مهم‌ترین رهبر مقاومت مردمی و چریکی جنوب جهانی علیه امپریالیسم و استعمار در عصر معاصر بود. او زیباترین تجسد روح انسان قیام کرده غرب آسیایی علیه نظم امپریالیستی و نیهیلیستی غرب بود.

دیدگاه

مهرداد احمدی: هر بار به نسبت میان نظر و عمل فکر می‌کنیم، این سوال برای ما پیش می‌آید: آیا مقام نظر مطلقا و زمانا بر عمل مقدم است یا نه؟ اگر نظر یا چارچوب‌های نظری مقدم بر کنش‌های ما، کیفیت و اغراض اعمال را متعین و مرتب کنند، فهم ما از عمل، هنجاری است. یعنی ما نه تنها از پیش می‌دانیم چه «باید» انجام دهیم، بلکه این را هم می‌دانیم که درباره غایبات عمل خود نیز چگونه «باید» دآوری کنیم. در واقع ما از منظر نظر، منطق حاکم بر فرآیند عمل خودمان را از پیش می‌دانیم. درون چنین فهمی از نسبت عمل و نظر که فهمی بیرونی از میدان است، عموما ما با اراده قبلی، اراده جزئی و میدانی را متعین کرده‌ایم. تا مدت‌ها گمان بر این بود این اراده کلی و قبلی در برابر اراده جزئی و میدانی، نشان از اراده‌ای غیرانسانی دارد که معطوف به قدرت نیست، بلکه این اراده کلی، نیروی اراده انسان‌های جزئی برای کسب قدرت را تنظیم و مهار می‌کند اما «فردریش نیچه» به ما یاد داد هرگز چنین اراده کلی بی‌طرفی -حداقل بعد از اینکه متافیزیک غربی را به دخالت نیروی قدسی را با انسان شدیدا فربه بسته- وجود ندارد.

کلان سخن گفت که فهم مسیر کنش‌های انسانی را در قالب یک روایت ممکن می‌کند. ما اخیرا در صورت‌بندی مساله مقاومت ملت‌های مسلمان بویژه کلان‌روایت انقلاب اسلامی از مقاومت، دچار نوعی سردرگمی هستیم. سردرگمی‌ها همیشه از کثرت راه‌ها و تصمیم‌ها و انتخاب‌ها می‌آید. برخی از ما در میانه توجیه ژئوپلیتیک مقاومت و قرائت ایدئولوژیک از آن گرفتار شده و فراموش کرده‌ایم آن نقطه رفع نهایی، ملاحظه مقاومت نه به مثابه امر سیاسی فنی صرف است و نه امر ایدئولوژیک تنها، بلکه تفسیر فلسفی-تاریخی از آن است. بااین حال در اینجا هم بیم التقاطی فلسفی نزدیک می‌نماید؛ آیا مقاومت، همان کنش انقلابی علیه سرمایه‌سالاری و استعمار بوده و در نهایت تاریخ طبقاتی جهانی را پیش می‌برد؟ یا این کنش، اگر چه همراستا ولی سر بر راه تاریخ دیگری دارد و نیروی به غایت متفاوتی است؟

انقلاب اسلامی بر فلسفه تاریخی استوار است که تاریخ امر حدود و قدسی را در هم تنیده می‌داند؛ تاریخ مادی، تن‌آوردگی تاریخ قدسی است ولی